

Research Article

A Jurisprudential Analysis of the Impurity of Kur and Qalil Water Based on Proportional Rules Aligned with the Theory of Proportionality Revolution¹



Balal Shakeri²

Mohammad Taqi Fakhlaei³

Mohammad Hasan Haeri⁴

Received: 18/04/2022

Accepted: 15/07/2023

Abstract

The way in which kur and qalil water become impure has a significant impact on human daily life. There are various and conflicting narrations regarding this matter. Two methods have been proposed to resolve the conflicts and reach a final ruling in this regard. According to the well-known method of assessing conflicting evidence, five different and sometimes conflicting rulings have been obtained on the issue mentioned, and the conflict between the extracted rulings is a problem for this group

1. This article extracted from Theory of Relation Change and Its Position in Jurisprudential Deduction (Doctoral dissertation, M. Taghi Fakhlaei, Supervisor). Ferdowsi University of Mashhad.
2. Ph.D., Fiqh and Fundamentals of Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.b.shakeri@iran.ir
3. Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author). fakhlaei@um.ac.ir
4. Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.haeri-m@um.ac.ir

* Shakeri, B., Fakhlaei, M. T., & Haeri, M. H. (1402 AH). A Jurisprudential Analysis of the Impurity of Kur and Qalil Water Based on Proportional Rules Aligned with the Theory of Proportionality Revolution. *Journal of Fiqh*, 30(114), pp. 9-38. Doi: 10.22081/jf.2023.63790.2429.

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

of jurists. However, according to the theory of proportional revolution, there are more than ten different types of probability assessments between the evidence, each of which leads to different results. Therefore, the problem with this method is the preference of one of the proportional assessments over the others. However, it is possible to overcome this problem by using the rules extracted for the preference of different proportional assessments, and the result of accepting the theory of proportional revolution has been well demonstrated in the branch of jurisprudence discussed. Therefore, in the present study, by analyzing and comparing three proposed models in one of the jurisprudential branches entitled the impurity of kur and qalil water, we have demonstrated the differences between the mentioned methods and for the first time systematically aligned it with the theory of proportional revolution and revealed the surprising results of this type of assessment between conflicting evidence. The impurity of qalil water in case of changing one of the three attributes and the lack of impurity of kur water, except in the case of changing the title of water, are among the results of this method.

Keywords

Proportional change, method of conflict resolution, impurity of kur water, impurity of qalil water.

مقاله پژوهشی

تحلیل فقهی نجس شدن آب کر و قلیل بر اساس ضوابط نسبت سنجی منطبق بر نظریه انقلاب نسبت^۱

بلال شاکری^۲ محمدتقی فخلعی^۳ محمدحسن حائری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

© Author (s)



چکیده

چگونگی نجس شدن آب قلیل و کر، تأثیر فراوانی در زندگی روزمره انسان دارد. در این باره روایت‌های مختلف و متعارضی وجود دارد. برای حل تعارض میان روایت‌ها و مشخص شدن حکم نهایی در این زمینه دو روش مطرح شده است. مطابق شیوه مشهور که سنجش دو به دوی دلیل‌های متعارض است، پنج حکم مختلف و گاه متعارض درباره مسئله یادشده به دست آمده و تعارض حکم‌های استخراج شده، مشکل روش این دسته از فقیهان است؛ اما مطابق نظریه انقلاب نسبت نیز بالغ بر ده نوع احتمال سنجش متفاوت بین دلیل‌ها وجود دارد که هر یک به نتیجه‌های متفاوتی منتهی می‌شود؛ بنابراین مشکل این روش ترجیح بلامرجح بودن تقدم هر یک از نسبت سنجی‌هاست. اما می‌توان با ضابطه‌های استخراج شده برای چگونگی ترجیح نسبت سنجی‌های مختلف، این مشکل را برطرف کرد و ثمره پذیرش نظریه انقلاب نسبت را در فرع فقهی بیان شده به خوبی نشان داد؛ از این رو در پژوهش

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان: نظریه انقلاب نسبت و موقعیت آن در استنباط فقهی (استاد راهنما: دکتر محمدتقی فخلعی)، که در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۶ در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شده است.

۲. دانش آموخته دکتری رشته فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. b.shakeri@iran.ir

۳. استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). fakhlaei@um.ac.ir

۴. استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. haeri-m@um.ac.ir

* شاکری، بلال؛ فخلعی، محمدتقی و حائری، محمدحسن. (۱۴۰۲). تحلیل فقهی نجس شدن آب کر و قلیل بر اساس ضوابط نسبت سنجی منطبق بر نظریه انقلاب نسبت. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۳۰(۱۱۴)، صص ۹-۳۸.

Doi: 10.22081/jf.2023.63790.2499

حاضر با تحلیل و تطبیق سه مدل مطرح شده در یکی از فروع فقهی تحت عنوان نجس شدن آب کر و قلیل، تفاوت روش‌های یادشده را نشان داده و برای نخستین بار آن را به صورتی ضابطه‌مند با نظریه انقلاب نسبت تطبیق داده‌ایم و نتایج شگفت این نوع سنجش بین دلیل‌های متعارض را به نمایش گذاشته‌ایم. نجاست آب قلیل در صورت تغییر یکی از وصف‌های سه‌گانه و عدم نجاست آب کر، جز در صورت تغییر عنوان آب از جمله نتایج این روش است.

کلیدواژه‌ها

انقلاب نسبت، روش حل تعارض، نجاست آب قلیل، نجاست آب کر.

مقدمه

یکی از مواجهه‌های اصلی فقیه در فروع فقهی، دلیل‌های متعارضی است که چه بسا درباره یک فرع فقهی وارد شده باشد. مشکل آنجا فزونی می‌یابد که دلیل‌های متعارض بیش از دو دلیل باشند. در موارد تعارض دو دلیل قواعد باب تعارض به خوبی منتح و تبیین شده است و فقیه بر اساس آنها به قضاوت و انتخاب دلیل‌های متعارض پرداخته و حکم را استخراج می‌کند؛ اما در مواردی که بیش از دو دلیل متعارض در مسئله وارد شده، کار کمی پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌شود.

درباره چگونگی حل تعارض بین دلیل‌های متعدد، دو روش مطرح شده است: روش مشهور فقها که در آن معتقدند رابطه بین دلیل‌های متعارض به صورت دو به دو و مستقل از دیگر دلیل‌ها سنجیده شده و حکم شرعی استخراج می‌شود. روش دیگری را ملا احمد نراقی ارائه کرده و در آن معتقد است باید به تمام رابطه‌های موجود میان دلیل‌های متعارض توجه کرد و بر اساس سنجش آنها به استخراج حکم دست زد. این روش در ادبیات اصولی پس از وی، به نظریه انقلاب نسبت شهرت یافته است.^۱

این دو شیوه حل تعارض با توجه به نمونه‌های فراوان فقهی که در تعارض بیش از دو دلیل وجود دارد،^۲ ممکن است در استنباط حکم شرعی به نتیجه‌های متفاوتی منتهی شود؛ بنابراین انتخاب یکی از دو روش حل تعارض، نقش مهمی در برون‌داد عمل استنباطی فقیه به عنوان فتوای وی خواهد داشت. اما توجه به تطبیق‌ها و نمونه‌های عینی اثرگذاری این دو روش حل تعارض کمتر بررسی و تحلیل شده است. اگرچه در برخی منابع فقهی و اصولی به برخی مسائل فقهی به عنوان نتایج این اختلاف اشاره شده یا در برخی مقالات مانند مقاله «تأثیر پذیرش نظریه انقلاب نسبت در کیفیت تداخل عده» (رضوی، ۱۳۹۶) به ثمره انقلاب نسبت در مسئله تداخل عده اشاره شده است، در این آثار

۱. برای مطالعه بیشتر درباره این دو شیوه حل تعارض، ر.ک: شاکری و دیگران، ۱۳۹۹.

۲. محقق خوئی در این باره می‌گوید: موارد ابتلائی به نظریه انقلاب نسبت در فقه، فراوان بوده و در بیشتر ابواب فقه، بین بیش از دو دلیل، تعارض وجود دارد (ر.ک: واعظ حسینی بهسودی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۶۷).

بر اساس آنچه رایج است به تطبیق پرداخته‌اند. در این راستا انتخاب موضوع این جستار (هرچند مسئله‌ای قدیمی در فقه است)، آن را از جهاتی متمایز می‌کند و این جهات عبارت است از: ۱. پرکاربرد بودن فرع فقهی در زندگی روزمره که طبق جستجوی انجام شده پیش‌تر بدان پرداخته نشده و تأثیر دو روش حل تعارض در آن منعکس نشده است؛ ۲. وجود فتاوی‌ای بر خلاف مشهور است که در صورت پذیرش آن، بسیاری از دغدغه‌های مکلفان درباره نجاست و پاکی مرتفع می‌شود؛^۳ بررسی تمام احتمال‌ها و فرض‌هایی که در مسئله طهارت و نجاست آب قلیل و کر وجود دارد؛^۴ بیان اشکال هر دو روش حل تعارض بر اساس آنچه در کتاب‌های فقهی و اصولی معروف و مرسوم است؛^۵ جریان نظریه انقلاب نسبت بر اساس ضابطه‌های شناسایی شده جهت تطبیق منطقی آن و حل اشکال مطرح شده.

بنابراین پژوهش حاضر با مراجعه به کتاب‌های حدیثی و تحلیل رابطه روایت‌های مطرح در مسئله طهارت و نجاست آب قلیل و کر، به توصیف و تحلیل انواع حل تعارض مطابق دو روش بیان‌شده پرداخته و در نهایت روش پذیرفته را برای رفع تعارض روایت‌ها بیان می‌کند.

۱. پیش‌فرض‌ها و مبانی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس برخی مبانی و پیش‌فرض‌ها تنظیم شده است:

۱-۱. خاستگاه انقلاب نسبت به عنوان یک نظریه روش‌شناسانه در علم اصول مواردی است که بیش از دو دلیل با هم متعارض باشد؛ بنابراین می‌توان گفت: انقلاب نسبت روشی برای جریان قاعده‌های باب تعارض، در موارد تعارضی بیش از دو دلیل است که بر اساس این روش به تمام رابطه‌ها و نسبت‌های موجود بین دلیل‌های متعارض توجه شده و بر اساس ضابطه‌ها و

۱. فتاوی فیض کاشانی به عدم نجاست آب کر و نجاست آب قلیل، تنها در صورت تغییر یکی از اوصاف (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، رساله ۸/۴).

قرینه‌های مشخص، قاعده‌های باب تعارض را میان دلیل‌ها جاری می‌کند.

۲-۱. تقریر ملااحمد نراقی از نظریه انقلاب نسبت با تبیین مشهور متفاوت است و آنچه در این اثر در نظر است، بر تقریر ملااحمد نراقی از این نظریه مبتنی است.^۱

۳-۱. دیدگاه مشهور در حل تعارض بین دلیل‌های متعدد با مشکل تعارض نتایج و تسلسل نسبت‌سنجی‌ها مواجه است (ر.ک: نراقی، ۱۳۷۵، صص ۳۵۰-۳۵۳؛ همچنین برای مطالعه بیشتر، ر.ک: شاکری و دیگران، ۱۳۹۹).

۴-۱. تطبیق نظریه انقلاب نسبت نیز بر اساس آنچه مرسوم است و همچنین اکتفای به بیان مختصر نراقی با مشکل ترجیح بلامرجح مواجه است (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۸۰؛ واعظ‌حسینی بهسودی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۶۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، صص ۳۰۱ و ۳۰۳؛ عراقی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۸۳؛ کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷۴۳؛ آشتیانی، بی‌تا، ص ۴۸۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۹، ص ۱۹۱؛ صافی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۳۳۳؛ فرحی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۸؛ حائری یزدی، ۱۴۱۸ق، صص ۶۸۲-۶۸۳؛ خویی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۵۱۹؛ تقوی اشتهاردی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، صص ۵۰۴-۵۰۵؛ اراکی، ۱۴۱۳ق، صص ۲۷۹-۲۸۰)؛ چون در نسبت‌سنجی میان دلیل‌های متعارض متعدد، احتمال‌ها و فرض‌های مختلفی قابل طرح است و تقدیم هر یک بر دیگری با توجه به تأثیری که در نتیجه نهایی دارد، ترجیح بلامرجح است.

۵-۱. بر اساس ضابطه‌هایی می‌توان نسبت به تقدم نسبت‌سنجی‌ها مطابق نظریه انقلاب نسبت اقدام کرد تا به اشکال ترجیح بلامرجح مبتلا نشد (ر.ک: شاکری، ۱۳۹۶).

۲. بیان روایت‌ها

گفتنی است با توجه به اقسام مختلف آب و احکام متفاوت آنها در روایات، در این

۱. برای مطالعه بیشتر درباره دو پیش‌فرض بیان شده، ر.ک: شاکری و دیگران، ۱۳۹۹.

پژوهش تنها طهارت و نجاست آب به لحاظ کر و قلیل بودن بررسی می‌شود.^۱ روایات را می‌توان به چند گروه، دسته‌بندی کرد:^۲

۱. طهارت آب، جز در صورت علم‌داشتن به نجاست؛^۳

۲. طهارت آب، جز در صورت تغییر در اوصاف سه‌گانه؛^۴

۳. نجس‌نشدن آب کر، مطلقاً؛^۵

۴. نجس‌شدن آب قلیل بر اثر ملاقات نجس.^۶

۳. رابطه دلیل‌ها

در این فرع فقهی، چهار دسته دلیل با رابطه‌های متعدد عموم مطلق و عموم من وجه وجود دارد. ترسیم رابطه این دلیل‌ها به شرح ذیل است:

۱-۳. رابطه بین دسته اول و دوم، عموم مطلق است؛ چون علم‌داشتن به نجاست، اعم از سه راه یادشده در دسته دوم است.

۱. برای نمونه درباره دیگر اقسام آب، ر.ک: صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، صص ۲۰۹-۲۱۰.
۲. گفتنی است ذیل هر دسته ممکن است روایات‌های مختلفی با مضامین مشابه صادر شده باشد. در متن حاضر به ذکر یک یا دو نمونه از روایت‌ها که به لحاظ سندی نیز قابل اعتماد هستند، ذیل هر دسته اکتفا شده است.
۳. صحیح‌ه حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام: «الْمَاءُ كُلُّهُ ظَاهِرٌ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّهُ قَدِرٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱).
۴. روایت نبوی صلی الله علیه و آله: «الماء كله طاهر لا ينجسه شيء إلا ما غير لونه أو طعمه أو رائحته» (طوسی (شیخ طوسی)، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۵). در عوالی اللئالی ادعای تواتر روایت شده است. البته عبارت روایت منقول در آن اندکی متفاوت است: «الْمَاءُ ظَهْوَرٌ لَا يَنْجَسُهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا غَيَّرَ لَوْنَهُ أَوْ طَعْمَهُ أَوْ رِيحَهُ» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۹). در کتاب‌های اهل تسنن نیز عبارت روایت چنین است: «إِنَّ الْمَاءَ لَا يَنْجَسُهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا غَلَبَ عَلَيَّ رِيحَهُ وَطَعْمِهِ وَلَوْنَهُ» (ابن‌ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۴).
۵. صحیح‌ه معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام: «إِذَا كَانَ الْمَاءُ قَدِرٌ كُرٌّ، لَمْ يَنْجَسُهُ شَيْءٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲؛ طوسی (شیخ طوسی)، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰).

۶. صحیح‌ه علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَعَفَ فَاَمْتَحَطَ فَصَارَ بَعْضُ ذَلِكَ الدَّمِّ قَطْرًا صِغَارًا فَأَصَابَ إِثَاءَهُ هَلْ يَضِلُّ لَهُ الْوُضُوءُ مِنْهُ فَقَالَ إِنْ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا يَشْتَبِهُ فِي الْمَاءِ فَلَا بَأْسَ وَإِنْ كَانَ شَيْئًا بَيْنًا فَلَا تَبَوُّضًا مِنْهُ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَعَفَ وَ هُوَ يَتَوَضَّأُ فَتَقَطَّرُ قَطْرَةٌ فِي إِثَائِهِ هَلْ يَضِلُّ الْوُضُوءُ مِنْهُ قَالَ لَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۱۵۰-۱۵۱).

گفتنی است از چنین روایت‌هایی که در آن ظرف آب بیان شده است، برداشت آب قلیل می‌شود. علت چنین برداشتی می‌تواند نوع ظرف بیان‌شده در روایت باشد که نام ظرف کوچکی بوده است که به اندازه آب کر در آن جای نمی‌گرفته است؛ چنانچه ممکن است منصرف به ذهن چنین ظرف‌هایی باشد.

۲-۳. رابطه بین دسته دوم و سوم، عموم من وجه است؛ چون دسته دوم به صورت مطلق می‌گوید آب با تغییر، نجس می‌شود، چه کر باشد چه قلیل؛ اما دسته سوم می‌گوید آب کر نجس نمی‌شود، چه تغییر کند یا تغییر نکند؛ بنابراین در ماده اجتماع، یعنی آب کری که رنگ، طعم یا بوی آن تغییر کرده است، تعارض می‌کنند.

۳-۳. با توجه به رابطه عموم مطلق دسته اول و دوم، ممکن است چنین به نظر برسد که رابطه دسته اول و سوم نیز باید عموم من وجه باشد؛ چون وقتی دسته دوم که در برابر دسته اول خاص است با دسته سوم رابطه عموم من وجه دارد، پس دلیل عام نیز باید همین‌گونه باشد و بین دسته اول و سوم نیز رابطه عموم من وجه باشد، اما چنین نیست؛ چون دسته اول، به حصول علم به نجاست مقید است؛ اما در دسته سوم بیان می‌شود که آب کر نجس نمی‌شود، از این رو علم به نجاست در آن بی‌معناست و با انتفای قید، حکم نیز منتفی خواهد بود؛ بنابراین به لحاظ حکم این دو دسته تعارضی با یکدیگر ندارند. به لحاظ موضوع نیز رابطه آنها عموم مطلق است؛ چون دسته اول مطلق آب‌ها را شامل می‌شود، اما دسته سوم مختص به آب کر است.

۴-۳. رابطه دسته دوم و چهارم، عموم مطلق است؛ چون دسته دوم به طور مطلق می‌گوید شرط نجاست آب، تغییر یکی از صفات‌های سه‌گانه آن است؛ اما دسته چهارم می‌گوید آب قلیل به صرف ملاقات با نجس حتی بدون تغییر نیز نجس می‌شود.^۱

۱. به لحاظ منطقی ممکن است گفته شود رابطه این دو دسته عموم من وجه است، نه عموم مطلق؛ چون دسته دوم شامل آب قلیل و غیر قلیل می‌شود، البته به شرط تغییر؛ ولی دسته چهارم تنها مختص به آب قلیل است؛ چه تغییر کرده باشد، چه تغییر نکرده باشد؛ بنابراین هر یک از دو دلیل ماده افتراق (آب کر تغییر یافته؛ آب قلیل تغییر یافته) و ماده اجتماعی (آب قلیل تغییر یافته) دارند.

اما باید توجه کرد هر چند در واقع این رابطه منطقی بین دو دسته وجود دارد، اما با توجه به اینکه در ماده اجتماع تعارضی ندارند، سنجش این رابطه اثری ندارد؛ اما آنچه اثر دارد این است که دسته دوم به صورت مطلق شامل تمام آب‌ها می‌شود و شرط نجاست را هم تغییر یک از صفات‌های سه‌گانه بیان کرده است. اما دسته چهارم آب قلیل را مستثنی کرده و بیان می‌کند آب قلیل به صرف ملاقات با نجس، نجس می‌شود؛ بنابراین آب قلیل از کل آب‌ها استثنا می‌شود. نتیجه اینکه با این دو دلیل تعامل عموم مطلق می‌شود.

بنابراین در این مسئله یک نوع رابطه عموم مطلق وجود دارد که یک دلیل عام (دسته اول) با دو خاص (دسته دوم و سوم) مواجه است که یکی از خاص‌ها (دسته دوم) به دلیل اخص (دسته چهارم) مبتلاست؛ همچنین رابطه دومی بین برخی روایت‌ها وجود دارد که نشان رابطه عموم من وجه (دسته دوم و سوم) است. پس از مشخص شدن نوع رابطه دلیل‌ها، به استنباط و استخراج حکم نجاست آب قلیل و کر بر اساس دو روش حل تعارض منکران نظریه انقلاب نسبت و نظریه انقلاب نسبت پرداخته می‌شود.

۴. تحلیل فقهی مطابق روش منکران نظریه انقلاب نسبت

چنانکه بیان شد، منکران نظریه انقلاب نسبت، در حل تعارض بین دلیل‌های متعدد، قایل‌اند باید تمام دلیل‌های متعارض به صورت دو به دو سنجیده شود و حکم هر یک فارغ از رابطه‌های دیگر استخراج گردد؛ بنابراین بر اساس رابطه‌های تصویرشده بین چهار دسته روایت، باید به شرح ذیل عمل کرد:

۱-۴. با توجه به رابطه عموم و خصوص مطلق بین دسته اول و دوم باید گفت هر آبی پاک است، مگر اینکه به نجاست آن علم حاصل شود که این علم بر اساس تغییر یکی از صفت‌های سه‌گانه حاصل می‌شود. (تفاوتی نمی‌کند که این نتیجه بر اساس حکومت دسته دوم نسبت به دسته اول حاصل شود یا تخصیص آن؛ چون نتیجه یکسان است). نتیجه این تخصیص عبارت است از نجاست هر آبی که یکی از صفت‌های سه‌گانه آن به وسیله نجس تغییر کند.

۲-۴. همچنین با توجه به رابطه عموم و خصوص مطلق میان دسته اول و سوم نیز باید گفت هر آبی پاک است، مگر علم به نجاست آن حاصل شود؛ اما با توجه به دسته سوم که می‌گوید آب کر نجس نمی‌شود، علم به نجاست آن نیز حاصل نخواهد شد. در نتیجه علم به نجاست، مختص به آب قلیل

است؛ نتیجه این تخصیص عبارت است از نجاست آب قلیل به وسیله تغییر یکی از وصف‌هایش.

۳-۴. در تخصیص سومی که به وسیله دسته چهارم نسبت به دسته اول اعمال می‌شود، چون رابطه آنها نیز عموم مطلق است، باید گفت علم به نجاست در آب قلیل به صرف ملاقات با نجس حاصل می‌شود؛ بنابراین نتیجه این است که در آب قلیل به صرف ملاقات با نجس، علی‌القاعده باید علم به نجاست حاصل شود و تغییری در صفت‌های آب ایجاد شود یا چنین تغییری ایجاد نشود.

۴-۴. چنانکه بیان شد، بین دسته دوم و چهارم نیز رابطه عموم مطلق برقرار است و تخصیصی دیگر در این رابطه باید اعمال شود. در نتیجه باید گفت آب قلیل با ملاقات نجس می‌شود و دیگر آب‌ها حتی آب کر با تغییر یکی از وصف‌های آنها نجس می‌شوند.

۵-۴. با توجه به رابطه عموم من وجه بین دسته دوم و سوم نیز باید گفت در ماده اجتماع تعارض مستقر است و باید بر اساس مبانی و قاعده‌های مختلف به اظهار نظر پرداخت. در صورت تقدیم هر یک حکم مطابق آن صادر می‌شود (در صورت تقدیم دسته دوم، حکم به نجاست آب کر در صورت تغییر می‌شود؛ در صورت تقدیم دسته سوم، حکم به طهارت آب کر به صورت مطلق می‌شود) و در صورت تساقط یا توقف هم باید به اصل عدم نجاست یا قاعده طهارت نسبت به آب کر مراجعه کرد؛ در نتیجه حکم، طهارت آب کر به صورت مطلق خواهد بود.

با توجه به نتیجه‌های مختلفی که در هر یک از سنجش‌ها حاصل می‌شود، مشکل این دیدگاه در حل تعارض به‌خوبی نمایان می‌شود؛ چون نتیجه مشخصی نمی‌توان به دست آورد و فقیه با تعارض نتایج یا تسلسل و دور همان‌طور که ملا احمد نراقی بیان کرده است (ر.ک: نراقی، ۱۳۷۵، صص ۳۵۰-۳۵۳) مواجه می‌شود؛ برای مثال در نتیجه‌های

استخراج شده درباره نجاست، آب قلیل با مشکل تعارض بین لزوم تغییر صفت‌ها یا کفایت ملاقات مواجه می‌شود؛ یا درباره آب کر نسبت به اینکه آیا نجس می‌شود یا خیر، با مشکل تعارض مواجه است. چنانچه قرار باشد نتیجه‌ها نیز با یکدیگر سنجیده شوند، یا به دور و تسلسل مبتلا شده یا عملکردی منطبق با نظریه انقلاب نسبت رخ خواهد داد.

۵. تحلیل فقهی مطابق با روش انقلاب نسبت

اما چنانچه نظریه انقلاب نسبت پذیرفته شود و بر اساس این روش تعارض حل شود، دو گونه می‌توان عمل کرد: ۱. مطابق عمل قایلان به این نظریه، می‌توان برخی نسبت‌سنجی‌ها را مطابق تشخیص فقیه بر دیگر نسبت‌سنجی‌ها مقدم کرد و سپس نتیجه را با دیگر دلیل‌ها مقایسه کرد (گاه در این تقدم و تأخرها نیز اختلاف‌هایی بروز کرده است و همین مسئله موجب طرح اشکال ترجیح بلامرجح در این نوع سنجش‌ها شده است)؛ ۲. بر اساس ضابطه‌های مشخص و پذیرفته‌شده، به این نسبت‌سنجی و تقدم و تأخر آنها پرداخت. بر این اساس مشکل ترجیح بلامرجح مطرح نخواهد شد.

برای مشخص شدن اهمیت ضابطه‌مندسازی نظریه انقلاب نسبت و اینکه نمی‌توان بر اساس ذوق و سلیقه و تشخیص فقیه اقدام کرد، ابتدا احتمال‌های مختلفی که در سنجش رابطه دلیل‌های متعارض قابل تصور است، ترسیم شده و نتیجه‌های متفاوت تقدم و تأخر هر یک از نسبت‌سنجی‌ها نشان داده خواهد شد؛ سپس مطابق ضابطه‌های شناسایی شده برای اجرایی‌سازی نظریه انقلاب نسبت، به حل تعارض اهتمام ورزیده می‌شود.

۵-۱. احتمال‌های مطرح در نسبت‌سنجی‌ها مطابق با نظریه انقلاب نسبت

با توجه به رابطه‌های مختلف میان ادله، بر اساس پذیرش نظریه انقلاب نسبت اگر

بدون اجرایی سازی ضابطه‌ها و بر اساس تشخیص فقیه عمل شود (چنانچه در کتاب‌های فقهی بدین صورت عمل می‌شود)، چه بسا به چند صورت عمل شود:

۱-۱-۵. اگر رابطه میان روایات «حکومت» باشد، با توجه به تقدیم نسبت سنجی بین دلیل حاکم و محکوم بر نسبت سنجی میان عموم مطلق و عموم من وجه، ابتدا نتیجه بین این روایت‌ها باید مشخص شود، سپس سراغ سنجش دیگر دلایل‌ها رفت. در این صورت دو احتمال مطرح است:

۱-۱-۵-۱. احتمال اول رابطه حکومت بین دسته اول و دوم و همچنین بین دسته اول و سوم پذیرفته شود؛ در این صورت چه ابتدا دلیل اول، مطابق دلیل دوم تفسیر شود، سپس با دلیل سوم یا بر عکس و یا به صورت همزمان مطابق دو دلیل دوم و سوم، تفسیر شود، نتیجه این است که آب‌ها پاک‌اند، مگر علم به نجاست آنها حاصل شود و چون آب کر با هیچ چیز نجس نمی‌شود، علم به نجاست در آن بی‌معناست؛ از این رو علم به نجاست مختص به آب قلیل است که این علم هم از راه تغییر یکی از صفات سه‌گانه آن در ملاقات با نجس به دست می‌آید؛ بنابراین نجاست آب کر بی‌معناست و نجاست آب قلیل به تغییر یکی از وصف‌های سه‌گانه آن مشروط است.

چنانچه مشاهده می‌شود رابطه دلیل چهارم با ادله قبل که عموم مطلق بوده است و دلیل چهارم اخص بوده است، برعکس شده و دلیل چهارم در مقابل نتیجه عام مطلق می‌شود؛ چون دلیل چهارم به صورت مطلق می‌گوید آب قلیل با ملاقات نجس می‌شود؛ چه وصف‌های آن تغییر کند، چه تغییر نکند؛ اما نتیجه سنجش سه دلیل اول و ویژه تغییر وصف در آب قلیل است؛ بنابراین آن نتیجه دلیل چهارم را به ملاقاتی مختص می‌کند که موجب تغییر یکی از وصف‌های آب شود.

نتیجه نهایی این نوع سنجش بین ادله، حکم طهارت آب کر به صورت مطلق است و نجاست آب کر بی‌معناست. حکم طهارت و نجاست آب قلیل نیز منوط به تغییر یکی از

وصف‌های سه‌گانه آب قلیل در ملاقات با نجس است؛ اما اگر ملاقاتی حاصل شود و وصفی تغییر نکند، آب قلیل نیز نجس نخواهد شد.

۵-۱-۱-۲. احتمال دوم اینکه، اگر تنها لسان دلیل دوم نسبت به دلیل اول حکومت فرض شود، ابتدا بر اساس حکومت دسته دوم را مفسر دسته اول دانسته، نتیجه این می‌شود که علم به نجاست از یکی از سه طریق بیان‌شده در دسته دوم حاصل می‌شود. سپس این نتیجه که مطابق دسته دوم است، باید با دسته سوم و چهارم مقایسه شود. رابطه نتیجه به دست آمده همان رابطه دسته دوم با دسته سوم و چهارم است که بیان شد (با دسته سوم عموم من وجه و با دسته چهارم عموم مطلق).

برای سنجش بین این سه دسته نیز دو راه وجود دارد:

۵-۱-۱-۲-۱. ابتدا رابطه عموم مطلق سنجیده شود و سپس نتیجه با دلیل سوم مقایسه شود؛ در این صورت نتیجه مقایسه دسته اول و دوم به وسیله دسته چهارم تخصیص زده می‌شود. نتیجه این می‌شود که آب پاک است و تنها با علم به نجاست، به نجاست آن حکم می‌شود و علم به نجاست با تغییر یکی از وصف‌های سه‌گانه آن حاصل می‌شود؛ مگر در آب قلیل که به صرف ملاقات با نجس و حتی بدون تغییر صفت این علم به دست می‌آید. پس از حل رابطه این سه دسته، نتیجه با دسته سوم سنجیده می‌شود که دیگر خبری از رابطه عموم من وجه نخواهد بود؛ چون رابطه دسته سوم با نتیجه به دست آمده به عموم مطلق تغییر می‌کند و موجب تخصیص دسته سوم می‌شود؛ بنابراین حکم آب کر نیز چنین است: آب کر نجس نمی‌شود، مگر یکی از صفت‌های سه‌گانه آن تغییر یابد.

۵-۱-۱-۲-۲. در صورتی که ابتدا رابطه عموم من وجه سنجیده شود، باید حکم محل تعارض، یعنی آب کری که یکی از وصف‌های

سه گانه آن تغییر کرده است، بر اساس قاعده‌های باب تعارض (ترجیح، تخییر، تساقط، توقف) مشخص شود. چنانچه دسته دوم به دلیل ترجیح یا تخییر مقدم شود، دلیل چهارم که اخص است موجب تخصیص آن می‌شود. اما اگر دلیل سوم به دلیل ترجیح یا تخییر مقدم شود، تعارضی با دلیل چهارم نداشته و هر یک حکم نوعی خاص از آب را بیان می‌کنند. در صورت تساقط یا توقف نیز تنها دلیل چهارم باقی است که مبین حکم آب قلیل است، اما نسبت به آب کر دلیلی وجود نداشته و باید به اصل عملی مراجعه شود.

۵-۱-۲. اگر رابطه عام و خاص بین این ادله تصویر شود و فرض حکومت مطرح

نباشد، ممکن است به دو صورت کلی به نسبت سنجی بین ادله پرداخت:

۵-۱-۲-۱. الف) ابتدا بین دلیل‌هایی با رابطه عموم مطلق (دسته اول و سوم؛ دسته‌های اول، دوم و چهارم) نسبت سنجی می‌شود. در این نسبت سنجی نیز چند احتمال وجود دارد:

۵-۱-۲-۱-۱. دسته اول با دسته دوم تخصیص زده شده و سپس با دیگر دلیل‌ها سنجیده می‌شود. نتیجه تخصیص دسته اول با دسته دوم این است که علم به نجاست با تغییر یکی از وصف‌های سه گانه حاصل می‌شود. پس هر آبی با تغییر یکی از وصف‌های در ملاقات با نجس، نجس می‌شود. رابطه نتیجه به دست آمده با دسته سوم و چهارم عموم مطلق است و رابطه عموم من وجه بین دسته دوم و سوم از بین می‌رود. نتیجه حاصل شامل هر آبی می‌شود، اما دسته سوم مختص به آب کر و دسته چهارم مختص به آب قلیل است.

اگر ابتدا دسته سوم مختص واقع شود، نتیجه این است که آب کر نجس نمی‌شود

و تنها آب قلیل با تغییر یکی از وصف‌هایش نجس می‌شود. رابطه این نتیجه با دلیل چهارم عموم مطلق است، ولی بر عکس رابطه اولیه، دلیل چهارم، عام و نتیجه خاص می‌شود؛ چون دلیل چهارم مطلق ملاقات با نجس را موجب نجاست آب قلیل می‌داند، اما نتیجه حاصل از سنجش قبل، تنها ملاقاتی که موجب تغییر شود عامل نجاست است؛ بنابراین نتیجه موجب تخصیص دلیل چهارم شده و آن‌گاه به نجاست آب قلیل حکم می‌شود که یکی از وصف‌هایش تغییر کرده باشد.

چنانچه ابتدا دسته چهارم مخصص واقع شود، نتیجه این است که آب قلیل با ملاقات و آب کر با تغییر یکی از وصف‌هایش نجس می‌شود. این نتیجه با دسته سوم نیز رابطه عموم مطلق دارد؛ چون نتیجه به دست آمده در فرض تغییر، به نجاست آب کر حکم می‌کند؛ اما دسته سوم به عدم نجاست آب کر به صورت مطلق حکم کرده است؛ در نتیجه دسته سوم تخصیص خورده و در مورد آب کر با تغییر یکی از اوصاف، به نجاست آن حکم می‌شود.

۵-۱-۲-۱-۲. دسته اول با دسته سوم تخصیص خورده و سپس با دیگر دلیل‌ها سنجیده شود. نتیجه این تخصیص این است که آب‌ها پاک‌اند و آب کر نجس نمی‌شود؛ اما آب قلیل تنها با علم به نجاست نجس می‌شود؛ در این صورت رابطه این نتیجه با دسته دوم تبدیل به عموم مطلق، اما بر عکس فرض اولیه می‌شود؛ چون دلیل اول نجاست را مختص به آب قلیل دانست؛ در حالی که دلیل دوم مطلق آب را شامل می‌شد؛ بنابراین یک دلیل عام (دسته دوم) و دو دلیل خاص (دسته اول و چهارم) وجود دارد. در این حالت ممکن است: (۱) ابتدا رابطه دو خاص سنجیده شود، در این صورت نیز دلیل چهارم می‌تواند مفسر و حاکم بر دلیل اول باشد؛ بدین صورت که علم به نجاست در آب قلیل به صرف ملاقات با نجس حاصل می‌شود. این نتیجه با دلیل دوم رابطه عموم من وجه پیدا می‌کند. ماده افتراق نتیجه،

آب قلیلی است که تغییری در آن ایجاد نشده است. ماده افتراق دلیل دوم آب کروی است که تغییری در آن ایجاد شده است، ماده اجتماع هم آب قلیلی است که تغییری در آن به وجود آمده است. اما این رابطه عموم من وجه مشکلی ایجاد نمی کند؛ چون منتهی به تعارض نشده و حکم هر دو دلیل در ماده اجتماع یکسان است و هر دو حکم به نجاست آب قلیل دارای تغییر است. ماده افتراقها نیز حکم خود را دارند. نتیجه حکم فقهی در این فرض نجاست آب قلیل است با ملاقات با نجس؛ چه تغییری ایجاد شود، چه نشود؛ همچنین نجاست آب کر در صورت ایجاد تغییر در یکی از صفت‌های سه گانه آن است؛ (۲) سنجش دیگری نیز محتمل است، اینکه دلیل عام (دسته دوم) با یکی از دو خاص تخصیص زده شده و نتیجه با خاص دیگر مقایسه شود. نتیجه چنین سنجشی نیز همچون حالت قبل است؛ یعنی آب کر با تغییر وصف نجس می شود، اما آب قلیل با علم به نجاست که مراد از آن همان ملاقات با نجس است، نجس می شود.

۱-۲-۱-۳. دسته اول با دسته چهارم تخصیص خورده و آن گاه با دیگر دلیل‌ها سنجیده شود. نتیجه اینکه آب‌ها پاک‌اند، مگر علم به نجاست آنها پیدا شود که این علم در آب قلیل با ملاقات حاصل می شود. این نتیجه با دسته سوم همچنان رابطه عموم مطلق دارد؛ چون دسته سوم مختص آب کر است که در مورد آب قلیل با نتیجه تباین موضوعی داشته و تعارضی ندارد. تنها در مورد علم به نجاست با نتیجه تعارض دارد که چون اخص از آن است، موجب تخصیص آن شده و در آب کر چون نجاست بر اساس دسته سوم منتفی است، علم به نجاست بی معناست؛ از این رو نتیجه این سنجش نجاست آب قلیل در

صورت ملاقات با نجس و طهارت همیشگی آب کر است. نتیجه به دست آمده در مقایسه با دسته دوم نیز رابطه عموم من وجه پیدا می‌کند. البته این عموم من وجه دو حیثیت دارد؛ چون دلیل دوم از حیث نوع آب قلیل و کر اطلاق دارد و شامل هر دو می‌شود، اما از حیث تغییر و عدم آن اطلاق نداشته و مختص فرض تغییر است. از طرفی نتیجه سنجش قبلی نیز طهارت مطلق آب کر است، چه تغییری ایجاد شود یا نشود؛ بنابراین از حیث آب کر، ماده اجتماع می‌شود آب کر که تغییر کرده است. ماده افتراق می‌شود آب کر که تغییر نکرده و پاک است و نیز آب قلیل؛ اما طرف دیگر نتیجه سنجش قبل نجاست آب قلیل در فرض ملاقات است که این طرف نتیجه نیز با دلیل دوم رابطه عموم من وجه دارد و ماده اجتماع آب قلیلی است که تغییر کرده است، ماده افتراق آب قلیلی است که تغییر نکرده و نیز آب کر. در ماده اجتماع از حیث آب کر تعارض بین دو دلیل بر قرار است؛ اما در ماده اجتماع از حیث آب قلیل تعارضی نیست؛ چون هر دو متوافق بوده و حکم به نجاست می‌کنند. نتیجه نهایی این است که آب قلیل به صرف ملاقات نجس می‌شود، اما آب کر در فرض تغییر به دلیل تعارض دو دلیل باید بر اساس قاعده‌های باب تعارض حکم آن مشخص شود. در صورت ترجیح یا تخییر حکم نجاست، آب کر تغییر یافته نجس است، در صورت عکس آن پاک است، در صورت تساقط یا توقف ادله باید به اصل مراجعه کرد که اصل عملی بر طهارت است یا به دلیل استصحاب طهارت یا به دلیل قاعده طهارت.

تا بدین جا بر اساس این فرض مسئله بررسی شد که نتیجه تخصیص دلیل اول به وسیله دلیل چهارم، با دلیل سوم ابتدا مقایسه شده بعد نتیجه با دلیل دوم سنجیده شود؛ اما

اگر ابتدا نتیجه اولیه با دلیل دوم سنجیده شود، بعد نتیجه با دلیل سوم مقایسه شود، حکم چنین می‌شود:

چنانچه بیان شد نتیجه تخصیص اولیه این است که آب‌ها پاک‌اند، مگر علم به نجاست آنها پیدا شود که این علم در آب قلیل با ملاقات حاصل می‌شود؛ اما این نتیجه درباره نحوه علم به نجاست در آب کر ساکت است. از طرفی دلیل دوم می‌گوید هر آبی با تغییر یک از وصف‌های سه‌گانه نجس می‌شود. این دلیل شامل آب کر هم شده و حالت علم به نجاست آن را بیان می‌کند؛ یعنی آب کر با تغییر وصف نجس می‌شود و علم به نجاست آن پیدا می‌شود؛ بنابراین بین نتیجه سنجش اول با دلیل دوم در آب کر تعارضی نیست، اما در آب قلیل تعارض هست؛ چون نتیجه اول صرف ملاقات را موجب نجاست آب قلیل و دسته دوم تغییر را موجب نجاست دانست. از این حیث می‌شود اخص مطلق و موجب تخصیص حکم آب قلیل می‌شود؛ بنابراین نتیجه تا بدین جا این است که آب کر و قلیل با تغییر نجس می‌شوند. این نتیجه در مقایسه با دلیل سوم اعم مطلق است؛ چون نتیجه شامل آب کر و قلیل هر دو می‌شود. اما دلیل سوم آب کر را به صورت مطلق می‌داند. در نتیجه موجب تخصیص شده و حکم نهایی طهارت آب کر و نجاست آب قلیل در صورت تغییر یکی از صفات آن است.

۵-۱-۲-۱-۴. دسته اول به صورت همزمان با دسته دوم و سوم تخصیص زده شده و سپس با دسته چهارم سنجیده شود. نتیجه چنین تخصیصی نجاست آب قلیل در صورت تغییر و عدم نجاست آب کر به صورت مطلق است. این نتیجه در مقایسه با دلیل چهارم رابطه عموم مطلق پیدا می‌کنند؛ البته به صورت برعکس و دلیل چهارم که صرف ملاقات با نجس را موجب نجاست آب قلیل می‌داند، به نتیجه به دست آمده تخصیص خورده و نتیجه نهایی این است که آب کر نجس نشده و آب قلیل در صورت تغییر یکی از وصف‌ها نجس می‌شود.

۵-۱-۲-۱-۵. دسته دوم با دسته چهارم تخصیص زده شده، سپس با دیگر

دلیل‌ها سنجیده شود. نتیجه این تخصیص نجاست آب کر در صورت تغییر و نجاست آب قلیل در صورت ملاقات است؛ بنابراین علم به نجاست در دلیل اول به این دو صورت تفسیر می‌شود که علم به نجاست در آب کر با تغییر یکی از صفت‌های آن است و علم به نجاست در آب قلیل به صرف ملاقات با نجس حاصل می‌شود. نتیجه سنجش دوم نیز در بخش اول آن که به آب کر مربوط است، با دلیل سوم در تعارض است؛ چون نتیجه سنجش دوم حکم به نجاست آب کر در صورت تغییر و دلیل سوم حکم به طهارت آن به صورت مطلق می‌دهد؛ از این رو باید بر اساس مبانی و قاعده‌های مطرح در باب تعارض اقدام کرد. در صورت تقدیم نتیجه سنجش دوم، به نجاست آب کر در صورت تغییر حکم داده می‌شود و در فرض مقدم شدن دلیل سوم، به طهارت آب کر به صورت مطلق حکم می‌گردد و در صورت تساقط یا توقف نیز باید به اصل عدم نجاست یا قاعده طهارت نسبت به آب کر مراجعه کرد.

۵-۲-۲. نوع دیگر سنجش بین ادله می‌تواند بدین صورت باشد که ابتدا رابطه عموم من وجه بین ادله (دلیل دوم و سوم) تعیین تکلیف شود. سپس به مقایسه نتیجه به دست آمده با دیگر روایت‌ها پرداخته شود. بدین منظور ابتدا بر اساس قاعده‌های باب تعارض (ترجیح، تخییر، تساقط، توقف) به قضاوت بین دو دلیل دوم و سوم پرداخته می‌شود.

در صورت انتخاب دلیل دوم بر اساس ترجیح یا تخییر، ممکن است ابتدا این دسته، دسته اول را تخصیص زده سپس نتیجه با دسته چهارم سنجیده شود یا ابتدا دسته دوم با دسته چهارم تخصیص خورده و سپس نتیجه با دسته اول سنجیده شود یا ابتدا دسته اول با دسته چهارم تخصیص زده شده و نتیجه با دسته دوم مقایسه شود.

در صورت انتخاب دلیل سوم بر اساس ترجیح یا تخییر نیز چند احتمال مطرح است:

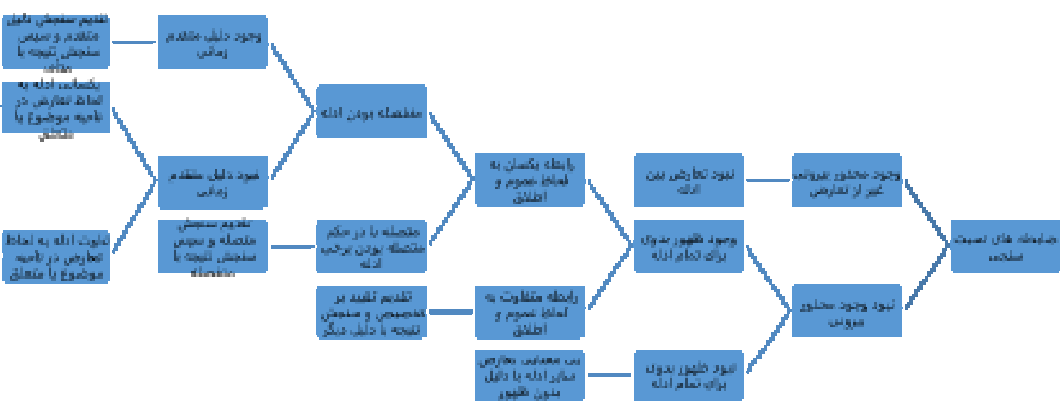
چه بسا ابتدا دسته اول با دسته سوم تخصیص زده شده و نتیجه با دسته چهارم مقایسه شود؛ ممکن است ابتدا دسته اول با دسته چهارم تخصیص خورده و نتیجه با دسته سوم سنجیده شود؛ و چه بسا دسته اول با هر دو دسته سوم و چهارم تخصیص زده شود.^۱ در صورت تساقت یا توقف نیز تنها دو دسته باقی می ماند، لذا دسته اول به وسیله دسته چهارم تخصیص زده شده، در نتیجه علم به نجاست در آب قلیل به صرف ملاقات با نجس حاصل می شود، اما راهی برای حصول علم به نجاست نسبت به آب کر بیان نشده است و راه خاصی مد نظر نخواهد بود. اما به هر حال آب کر تنها زمانی نجس خواهد بود که علم به نجاست آن حاصل شود و تا عدم تحقق چنین علمی باید به اصل عملی عدم نجاست یا اصل طهارت مراجعه کرد.

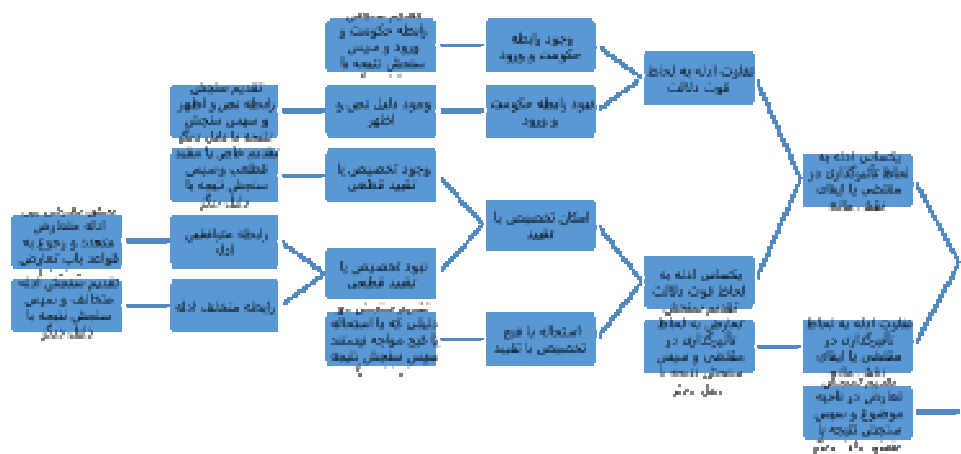
چنانکه ملاحظه می شود، با وجود انواع سنجش ها و احتمال های مختلف در مسئله، اشکال اساسی به نظریه انقلاب نسبت، یعنی ترجیح بلامرجح بودن هر یک از نسبت سنجی ها بر دیگری به خوبی نمایان می شود. آنچه از این نظریه در ادبیات اصولی تا کنون به طور شایع گفته شده، با این مشکل مواجه است و با وجود چنین اشکالی باید به منتقدان نظریه حق داد.

اما اشکال ترجیح بلامرجح را می توان با ضابطه مندسازی نظریه برطرف کرد. ضابطه هایی که خود مورد پذیرش هستند و می توانند سیر منطقی سنجش بین دلیل های مختلف را تبیین کنند؛ بنابراین چنانچه بر اساس ضابطه های شناسایی شده نسبت به اجرایی سازی نظریه انقلاب نسبت عمل شود، نتیجه به دست آمده بر اساس سیری منطقی حاصل می شود و تقدیم نسبت سنجی ها با مشکل ترجیح بلامرجح نیز مواجه نمی شود. در ادامه به حل تعارض بر اساس نظریه انقلاب نسبت، بر اساس ضابطه های شناسایی شده توجه می شود. خلاصه ضابطه های مزبور را می توان در نمودار زیر ترسیم کرد:^۲

۱. احکام مربوط به حالت های مطرح شده در این دو فرض پیش تر تبیین شد.

۲. برای مطالعه تفصیلی درباره ضابطه ها و چگونگی تقدم و تأخر اجرای آنها، ر.ک: شاکری، ۱۳۹۶، صص ۲۹-۴۴.





بر اساس ضابطه‌های شناسایی شده و در تطبیق ضابطه‌ها به صورت گام به گام باید بررسی شود که:^۱

آیا مشکل بین دلیل‌ها تنها تعارض آنهاست یا مشکلی غیر از تعارض نیز وجود دارد؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد مشکلی غیر از تعارض بین دلیل‌ها وجود ندارد؛ یعنی اگر تعارض بین دلیل‌ها وجود نمی‌داشت، عمل به هر یک از روایت‌ها مانعی نداشت.

در گام بعد ظهور بدوی دلیل‌ها نیز احراز می‌شود. گام سوم رابطه عام و خاص، مطلق و مقید بین ادله را بررسی می‌کند. با توجه به الفاظ عموم (واژه کل و نکره در سیاق نفی) از این حیث نیز بین ادله تفاوتی نیست.

در گام چهارم مشخص می‌شود سه دلیل خاص نیز به صورت منفصل بیان شده‌اند و قرینه متصلی بین دلیل‌های خاص وجود ندارد. سپس باید زمان صدور روایت‌ها بررسی شود.^۲ بر اساس زمان صدور باید گفت بین سه دلیل خاص مطرح شده در برابر دسته اول که عام‌ترین دلیل است، تقدم و تأخر زمانی وجود دارد؛ چون دسته دوم روایت نبوی است و از نظر زمان صدور بر دیگر روایت‌ها مقدم است.

بر اساس ضابطه‌های بیان‌شده در جدول بالا، باید نخست رابطه این خاص با عام سنجیده شود. سپس دیگر دلیل‌های خاص با نتیجه این سنجش اولیه مقایسه شوند؛ بنابراین دسته دوم در صورت پذیرش حکومت، می‌تواند لسان تفسیری داشته و بر دسته اول حاکم باشد یا در صورت نپذیرفتن حکومت، به عنوان مخصص دسته اول عمل

۱. ممکن است در پذیرفتن یا نپذیرفتن برخی ضابطه‌های بیان‌شده اختلاف‌هایی باشد. آنچه در ادامه تطبیق می‌شود بر اساس ضابطه‌های بیان‌شده در نمودار است که تمام این ضابطه‌ها مورد پذیرش نگارنده است؛ از این رو در متن مقاله تطبیق این ضابطه‌ها تا جایی پیش می‌رود که نتیجه سنجش بین دلیل‌ها مشخص شود؛ اما چنانچه در هر مرحله‌ای هر یک از ضابطه‌ها پذیرفته نشود، مانند تقدم و تأخر زمانی صدور روایت‌ها که برخی انکار کرده‌اند، آن ضابطه از سیر تطبیق ضابطه‌های بیان‌شده حذف شده و باید سراغ ضابطه بعدی رفت. چنانچه بر اساس ضابطه‌های بیان‌شده تا انتها پیش‌رفته و مشکل تعارض بین دلیل‌های متعدد برطرف نشود، آن‌گاه بین تمام آنها تعارض مستقر ثابت است و باید بر اساس مبانی مختلف در تعارض، یعنی تخیر، تساقط یا توقف عمل کرد.

۲. گفتیم که برخی بزرگان این ضابطه را انکار کرده‌اند؛ در این صورت باید سراغ ضابطه بعدی، یعنی تقدم و تأخر رتبی بین دلیل‌ها رفت و همچنین دیگر ضابطه‌های بیان‌شده پس از آن به ترتیب اعمال شود.

کند. در هر دو حال نتیجه این است که راه تحصیل علم به نجاست، تغییر اوصاف سه گانه آب است؛ بدین ترتیب مشکل دسته اول و دوم بر طرف شده و مراد شارع از حصول علم مشخص می شود و تنافی بین این دو گروه روایت وجود نخواهد داشت. نتیجه این نسبت سنجی، حکم به نجاست آب با تغییر یکی از اوصاف آن است.

این نتیجه با دسته سوم رابطه عموم من وجه (تعارض در ماده اجتماع، یعنی آب کر همراه با تغییر یکی از صفات‌های سه گانه آن) و با دسته چهارم رابطه عموم مطلق دارد. حال باید بررسی شود که ابتدا این نتیجه بر اساس دسته چهارم تخصیص می خورد یا با دسته سوم مقایسه شده و بر اساس قواعد تعارض میان آنها داوری می شود.

از آنجا که بین دسته سوم و چهارم نیز تقدم و تأخر زمانی وجود دارد؛ چون دسته سوم از امام صادق علیه السلام است؛ در حالی که دسته چهارم از امام کاظم علیه السلام رسیده است. ابتدا باید نتیجه نسبت سنجی اول (دسته دوم) با دسته سوم مقایسه شود. با توجه به اینکه رابطه آنها عموم من وجه است، باید به قواعد تعارض رجوع شود.^۱

هر دو روایت صحیح‌اند و در کتاب‌های معروف حدیثی شیعه نقل شده‌اند؛ اما مضمون روایت دسته سوم که به صورت عام بیان‌گر آن است که آب کر نجس نمی‌شود، مورد اعراض مشهور است. اگر اعراض مشهور موجب ضعف محسوب شود، نتیجه نسبت سنجی اول بر روایت دسته سوم مقدم می‌شود. سپس روایت چهارم موجب تخصیص آن می‌شود؛ بنابراین به نجاست آب قلیل تنها بر اثر ملاقات با نجس حکم شده و مسئله تغییر یکی از صفات‌های سه گانه آب برای نجاست آن، به دیگر آب‌ها مربوط خواهد شد. آب کر نیز از مجموعه این آب‌ها است؛ پس نتیجه نهایی در این فرض آن

۱. نکته دیگر توجه به اختلاف مبانی در جریان قاعده‌های باب تعارض است. چنانچه در جریان ضابطه‌ها نیز تذکر داده شد اختلاف مبانی در پذیرش یا انکار یک ضابطه، موجب اعمال یا رد شدن از آن و پرداختن به ضابطه بعدی می‌شود. در هر مرحله‌ای نیز چنانچه مبانی مختلفی در مسئله وجود داشته باشد، هر فقیه باید مطابق با مبانی انتخابی خود به تحلیل و استنباط حکم شرعی در چارچوب ضابطه‌های مورد پذیرش عمل کند؛ بنابراین در متن به تأثیر این اختلاف مبانی اشاره‌هایی شده است تا مخاطب افزون بر آشنایی با تأثیر گذاری ضابطه‌ها در نوع سنجش، با تأثیر اختلاف مبانی در دیگر مسئله‌های اصولی نیز آشنا شود.

است که تمام آب‌ها با تغییر یکی از وصف‌های آنها در ملاقات با نجس، نجس می‌شوند، اما آب قلیل تنها با ملاقات با نجس، نجس می‌شود.

البته اگر در تعارض، دلیل مرجوح، فاقد اعتبار یا به تعبیری کالعدم نباشد، این نتیجه می‌تواند مراد از دسته سوم را نیز تبیین کند؛ بدین صورت که آب کر نجس نمی‌شود، مگر زمانی که یکی از صف‌های سه‌گانه‌اش تغییر کند؛ بدین ترتیب هیچ‌یک از ادله چهارگانه، طرح نشده و به مضمون تمام آنها عمل شده است.

در این میان اگر اعراض مشهور موجب ضعف نباشد، بین دسته دوم و سوم تعارض مستقر است و مرجحی نیز وجود ندارد، پس بین دو دلیل (در ماده اجتماع، بنابر پذیرش قاعده تبعیض در حجیت و در کل دو دلیل بنابر نپذیرفتن قاعده مذکور)^۱ بر اساس مبانی مختلف تخییر، تساقط یا توقف جاری است.

در صورت نپذیرفتن قاعده تبعیض در حجیت، چنانچه بر اساس تخییر دسته دوم انتخاب شود، حکم مسئله مانند صورت ترجیح دسته دوم است؛ یعنی دسته چهارم موجب تخصیص آن شده، نتیجه نهایی چنانچه بیان شد، حکم به نجاست آب قلیل تنها با ملاقات با نجس است، اما در دیگر آب‌ها که از جمله آنها آب کر است، نجاست با تغییر یکی از صف‌های سه‌گانه حاصل می‌شود.

اما اگر دسته سوم انتخاب شود، بین این دسته و دسته چهارم تعارضی نیست؛ چون موضوع دسته سوم آب کر و موضوع دسته چهارم آب قلیل است. نتیجه اینکه آب کر هیچ‌گاه نجس نمی‌شود، حتی با تغییر یکی از وصف‌هایش؛ اما آب قلیل با ملاقات با نجس هر چند اوصافش تغییر نکند، نجس می‌شود. اما بنابر پذیرش قاعده تبعیض در حجیت، چون نتیجه نسبت‌سنجی اول در ماده افتراق همچنان حجت است، دسته چهارم موجب تخصیص آن شده و حکم دیگر آب‌ها غیر از آب قلیل و آب کر، نجاست در صورت تغییر یکی از اوصاف است؛ بنابراین در این فرض نتیجه نهایی چنین است: آب کر هیچ‌گاه نجس نمی‌شود، آب قلیل با ملاقات با نجس، نجس می‌شود و آب‌های

۱. برای مطالعه بیشتر درباره قاعده تبعیض در حجیت، ر.ک: شاکری و فخلعی، ۱۳۹۹.

دیگر با تغییر یکی از وصف‌های سه گانه، نجس می‌شوند.

در فرض تساقط یا توقف دو دلیل متعارض نیز اگر تبعیض در حجیت مورد پذیرش باشد، آب کری که وصفش تغییر نکرده نجس نمی‌شود؛ اما در مورد آب کری که تغییر کرده است، باید به اصل عملی (استصحاب طهارت یا قاعده طهارت) مراجعه شود. نتیجه اینکه آب کر هیچ‌گاه نجس نمی‌شود، اما آب قلیل با ملاقات با نجس، نجس شده و دیگر آب‌ها در صورت تغییر وصف نجس می‌شوند. علت این مسئله نیز همان مخصص بودن دسته چهارم نسبت به ماده افتراق دسته دوم است؛ اما اگر قاعده تبعیض در حجیت پذیرفته نشود، دسته دوم و سوم به طور کل ساقط می‌شوند و تنها دسته چهارم نسبت به حکم آب قلیل باقی می‌ماند؛ از این رو در دیگر آب‌ها باید به اصل (استصحاب طهارت) یا قاعده (طهارت) مراجعه کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته نتیجه‌های زیر به دست می‌آید:

۱. سنجش دلیل‌های متعارض بر اساس مقایسه دو به دو دلیل‌ها، مستقل و بدون در نظر گرفتن دیگر روایت‌ها که منکران نظریه انقلاب نسبت بدان معتقدند، به مشکل تعارض و دور و تسلسل مبتلاست و چنانچه ایشان نخواهند به این اشکال مبتلا شوند، در مقام عمل باید بر پایه نظریه انقلاب نسبت اقدام کنند.
۲. حل تعارض مطابق با نظریه انقلاب نسبت نیز با توجه انواع رابطه‌ها و سنجش‌های متعددی که می‌توان بین دلیل‌ها اعمال کرد، چنانچه بدون ضابطه و بر اساس ذوق و سلیقه فقیه اعمال شود، به اشکال ترجیح بلامرجح دچار است.
۳. بر اساس ضابطه‌های مورد پذیرش نگارندگان و مبانی مختلف باب تعارض، نتایج فقهی زیر نسبت به حکم نجس شدن آب‌ها به دست می‌آید:
(۱) تمام آب‌ها با تغییر یکی از وصف‌های آنها در ملاقات با نجس، نجس می‌شوند؛ اما آب قلیل تنها با ملاقات با نجس، نجس می‌شود.
(۲) آب کر هیچ‌گاه نجس نمی‌شود، حتی با تغییر یکی از وصف‌هایش؛ اما آب

قلیل با ملاقات با نجس هر چند اوصافش تغییر نکند، نجس می شود.

(۳) آب کر هیچ گاه نجس نمی شود، آب قلیل با ملاقات با نجس، نجس می شود، دیگر آب ها با تغییر یکی از وصف های سه گانه، نجس می شوند.

(۴) آب کری که وصفش تغییر نکرده نجس نمی شود؛ اما در مورد آب کری که تغییر کرده باید به اصل عملی (استصحاب طهارت یا قاعده طهارت) مراجعه شود. نتیجه اینکه آب کر هیچ گاه نجس نمی شود؛ اما آب قلیل با ملاقات با نجس، نجس شده و دیگر آب ها در صورت تغییر وصف نجس می شوند.

(۵) آب قلیل با ملاقات با نجس، نجس می شود؛ در دیگر آب ها باید به اصل (استصحاب طهارت) یا قاعده (طهارت) مراجعه کرد.

کتابنامه

۱. آشتیانی، محمود. (بی تا). حاشیه علی درر الفوائد. قم: مؤلف.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة (ج ۳). قم: دار سیدالشهداء للنشر.
۳. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید القزوینی. (بی تا). سنن ابن ماجه (ج ۱)، محقق: محمدفؤاد عبدالباقی. دار الإحياء الكتب العربی.
۴. اراکی، محمدعلی. (۱۴۱۳ق). رساله فی الخمس. قم: مؤسسه در راه حق.
۵. تقوی اشتهاردی، حسین. (۱۴۱۸ق). تنقیح الأصول (ج ۴). تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام.
۶. حائری یزدی، عبدالکریم. (۱۴۱۸ق). درر الفوائد. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه (ج ۱). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۸. حسینی شیرازی، صادق. (۱۴۲۷ق). بیان الأصول (ج ۹). قم: دار الانصار.
۹. خوئی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). أجود التقریرات (تقریرات درس محمدحسین نائینی، ج ۲). قم: مطبعه العرفان.
۱۰. رضوی، سیدمحمد. (۱۳۹۶). تأثیر پذیرش نظریه انقلاب نسبت در کیفیت تداخل عده. فقه و حقوق خانواده، (۶۶)، صص ۵-۲۶.
۱۱. شاکری، بلال. (۱۳۹۶). ضابطه مندسازی نظریه انقلاب نسبت. جستارهای فقهی و اصولی، (۶)، صص ۲۹-۴۴.
۱۲. شاکری، بلال؛ فخلعی، محمدتقی. (۱۳۹۹). واکاوی قاعده تبعیض در حجیت. جستارهای فقهی و اصولی، (۱۸)، صص ۷-۳۳.
۱۳. شاکری، بلال؛ فخلعی، محمدتقی و حائری، محمدحسن. (۱۳۹۹). ماهیت انقلاب نسبت (نگاهی نو به روش شناسی ملا احمد نراقی در حل تعارضات). پژوهش های اصولی، (۲۴)، صص ۳۳-۶۴.

۱۴. صافی، لطف‌الله. (۱۴۲۸ق). بیان الأصول (ج ۳). قم: دایرة التوجیه والإرشاد الدینی فی مکتب المرجع الدینی آیه الله العظمی الشیخ لطف الله الصافی الکلایگانى رحمته الله علیه.
۱۵. صدر، سیدمحمدباقر. (۱۴۰۸ق). بحوث فی شرح العروة الوثقی (ج ۱). قم: مجمع الشهد آیه الله الصدر العلمی.
۱۶. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (ج ۱). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۸. عراقی، ضیاء‌الدین. (۱۴۲۰ق). مقالات الأصول (ج ۲). قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۱۹. فرحی، سیدعلی. (۱۳۸۶ق). تحریر الأصول (تقریرات درس میرزاهاشم آملی). قم: مکتبه الداوری.
۲۰. فیض کاشانی، محمدمحسن. (۱۴۲۹ق). رسائل فیض کاشانی (ج ۲). تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
۲۱. کاظمی خراسانی، محمدعلی. (۱۳۷۶). فوائد الأصول (تقریرات درس محمدحسین نائینی، ج ۴). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۳). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۷۵). عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۴. هاشمی شاهرودی، علی. (۱۴۱۹ق). دراسات فی علم الأصول (تقریرات درس ابوالقاسم خویی، ج ۴). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۲۵. هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الأصول (تقریرات درس سیدمحمدباقر صدر، ج ۹). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۲۶. واعظ حسینی بهسودی، محمدرور. (۱۴۲۲ق). مصباح الأصول (تقریرات درس ابوالقاسم خویی، ج ۲). قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی رحمته الله علیه.

References

1. Araki, M. A. (1413 AH). *resala fi al-Khoms*. Qom: Dar Rahe Haq Institute. [In Arabic]
2. Ashtiani, M. (n. d.). *Hashiya ala Dorar al-Favaed*. Qom: Nevisande. [In Arabic]
3. Farahi, A. (1386 AH). *Tahrir al-Usul*. Qom: Al-Davari Library. [In Arabic]
4. Fayz Kashani, M. M. (1429 AH). *Letters of Faiz Kashani* (Vol. 2). Tehran: Shahid Motahari High School. [In Arabic]
5. Haeri Yazdi, A. K. (1418 AH). *Dorar al-Favaed*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
6. Hashemi Shahroudi, A. (1419 AH). *Derasat fi Elm al-Osul* (Vol. 4). Qom: Institute of Islamic jurisprudence encyclopedia on the religion of Ahl al-Bayt. [In Arabic]
7. Hashemi Shahroudi, M. (1417 AH). *Bohouso Fi Elm al-Usul*. (Vol. 9). Qom: Islamic jurisprudence encyclopedia institute on the religion of Ahl al-Bayt. [In Arabic]
8. Hurr Amili, M. (1409 AH). *Wasail al-Shia*. (Vol. 1). Qom: Aal Al-Bayt Institute. [In Arabic]
9. Hosseini Shirazi, S. (1427 AH). *Bayan al-Usul*. (Vol. 9). Qom: Dar Al-nasr. [In Arabic]
10. Ibn Abi Jumhor, M. (1405 AH). *Awali Al-Leali Al-Azizia fi Ahadith al-Diniyeh* (Vol. 3). Qom: Dar Seyyed al-Shohada Publishing. [In Arabic]
11. Ibn Majah, A. A. M. (n. d.). *Ibn Majah's Sunan* (Vol. 1, M. F. Abdul Baqi, Ed.). Dar al- Ihya al-Kotob al-Arabi. [In Arabic]
12. Iraqi, Z. (1420 AH). *Maqalat al-Usul*. (Vol. 2). Qom: Majma al-Fakr al-Islami. [In Arabic]
13. Kazemi Khorasani, M. A. (1376 AP). *Favaed al-Osul* (Vol. 4). Qom: Society of teachers of Qom seminary. [In Arabic]
14. al-Kulayni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 3). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyeh. [In Arabic]

15. Khoei, A. Q. (1352 AP). *Ajvad al-Taqarirat* (Vol. 2). Qom: Al-Irfan. [In Arabic]
16. Naraqi, A. (1375 AP). *Avaed al-Ayam Fi Bayan Qavaed al-Ahkam wa Mohemmat Masa'el al-Halal wa al-Haram*. Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary. [In Arabic]
17. Razavi, M. (1396 AP). The effect of accepting the ratio revolution theory on the quality of number interference. *Fiqh and family law*, (66), pp. 5-26. [In Persian]
18. Sadr, M. B. (1408 AH). *Bohous Fi Sharh al Orvatol Vosqa*. (Vol. 1). Qom: Ayahullah Sadr Al-Elmi. [In Arabic]
19. Safi, L. (1428 AH). *Bayan al-Usul*. (Vol. 3). Qom: Department of Al-Tujiyah and Religious Guidance in the School of Al-Murjaj Al-Dini, Ayatollah Azami Al-Sheikh Lotfollah Al-Safi Al-Golpaigani. [In Arabic]
20. Shakeri, Belal. (1396 AP). Regulating the theory of ratio revolution. *Jurisprudential and Usuli Essays*, (6), pp. 29-44. [In Persian]
21. Shakeri, B., Fakhlaei, M. T., & Haeri, M. H. (1399 AP). The nature of the relative revolution (a new look at the methodology of Mulla Ahmad Naraqi in resolving conflicts). *Basic Researches*, (24), pp. 33-64. [In Persian]
22. Shakeri, B., & Fakhlaei, M. T. (1399 AP). Analyzing the rule of discrimination in authenticity. *Jurisprudential and Usuli Essays*, (18), pp. 7-33. [In Persian]
23. Taqavi Ashtehardi, H. (1418 AH). *Tanqih al-Usul*. (Vol. 4). Tehran: Imam Khomeini Publishing and Editing Institute. [In Arabic]
24. Tusi, M. (1407 AH). *Tahzib al-Ahkam* (Vol. 1). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
25. Tusi, M. (1407 AH). *Al-Khilaf* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
26. Vaez Hosseini Behsoodi, M. S. (1422 AH). *Misbah al-Usul* (Vol. 2). Qom: Institute for Revival of Imam Al-Khoei's Works. [In Arabic]